

لزوم دقت در تعبیر مناسب با شرطیت طهارت مولد یا مانعیت ولادت از زنا

نکته مهم پژوهشی و روشی در این مقام و امثال آن، تسامحی است که از فقیهان در عبارت‌پردازی صورت گرفته و می‌گیرد! با این توضیح که اگر پدیده‌ای شرط حکم است، آن پدیده در قالب شرط ذکر شود و اگر ضد آن مانع است، آن ضد در قالب مانع، ذکر شود.

و این در حالی است که در بسیاری از موارد، ابتدا پدیده‌ای در قالب شرط ذکر می‌شود و نتیجه گویای مانعیت ضد آن است و بالعکس! اتفاقی که در ما نحن فیه رخ نموده است!

با این که اثر شرطیت یک پدیده یا مانعیت ضد آن در وقت شک به شبهه موضوعیه (مصاداقیه) یا مفهومیه حکمیه - که پیش آمدن آن نیز زیاد است - ظاهر می‌شود. این تسامح اگر در گذشته قابل چشم پوشی بود، امروز نیست.

جالب این که انتخاب تعبیر، کار سختی نیست، بلکه تابع دلالت دلیل اعتبار است و چنان چه لسان ادله متفاوت و غیر قابل جمع بود باید به قاعده و اصل عام مراجعه کرد و به مقتضای آن هر چه بود در فتوا، تعبیر و عمل پایبند شد.

مثلا در ما نحن فیه اگر مقتضای ادله از جهت دلالت بر اعتبار طهارت مولد یا مانعیت تولد از زنا متفاوت بود (مقتضای برخی ادله تعیین اول و مقتضای برخی دیگر، تعیین دوم بود)؛ قهرا قدر متیقن از اعتبار شارع «تولد از زنا» است و در غیر آن به عمومات و اطلاقات ادله مشروعیت قضا مراجعه می‌شود؛ چنان که نباید «اصل تولد از طریق حلال» - که برخاسته از قاعده فراش یا غلبه است - نادیده گرفت. و البته با عدم اعتقاد یا نبود اطلاقات و عمومات مورد اشاره با وجود اشکال در اصل و قاعده مورد اشاره به هر دلیل، باید به «شرطیت طهارت مولد» رای داد. به تعبیر دیگر به دلیل اصل عدم ولایت مطرح در باب قضا، حکم واقعه در مفروض کلام، به نفع شرطیت طهارت مولد فیصله می‌یابد (دقت شود).

4. گستره شناسی شرطیت طهارت مولد یا مانعیت ضد

به اعتقاد ما فرع مهم دیگری که در باب قضا (حتی و باب شهادت و امامت و غیر آن) قابل پیگیری است واقعی بودن شرطیت طهارت مولد یا مانعیت ضد یا ظاهری بودن آن است. اختلاف اثر این دو گزینه در مثل وقتی ظاهر می‌شود که شخص از حال خود خبر دارد که واجد شرط نیست یا مبتلا به مانع است لکن اصحاب پرونده و دعوا خبر ندارند یا والی که قصد نصب وی را برای قضاوت دارد (بنا بر قول به اعتبار نصب) خبر ندارد، در این جا بنا بر گزینه اول، این شخص حق قضاوت ندارد؛ چنان که اثری هم بر قضاوت او مترتب نیست. در حالی که بنابر گزینه دوم، قضای مزبور جایز و نافذ است و آثار واقعی بر این داوری مترتب می‌شود. گفتنی است فرع مزبور غیر از این است که گفته شود: آیا شهرت به تولد از زنا مانع است یا شهرت لازم نیست. ولی این فرع هم قابل طرح است و به اعتقاد ما با مطالبی که در پاسخ به پرسش و فرع مورد بحث بیان می‌شود، وضعیت این پرسش و فرع نیز معلوم می‌گردد.

موقعیت‌شناسی فقهی و شرعی گستره شرطیت طهارت مولد یا مانعیت ضد

موقعیت‌شناسی فقهی

با مراجعه به متون فقهی نمی‌توان به بحثی از فقیهان در این باره برخورد کرد. البته در برخی عبارات، تعبیری هست که شاید از آن هدایتی در این باره برآید! مثلاً صاحب شرایع در متن پیش نقل شده از وی فرمود: «لاینعقد القضاء لولد الزنا مع تحقق حاله». پرسش مرتبط این است که جناب محقق حلی در تعبیر به «مع تحقق حاله» در صدد بیان چه مطلب است؟

به اعتقاد ما، ایشان در این تعبیر در صدد بیان اصل عدم تولد از زناست و لذا می‌فرماید: باید تولد از زنا ثابت شود و الا «اصالة تولد از طریق حلال» مطرح است، قهراً عایدی در مسأله مورد گفتگو ندارد.

البته شاید نتوان تردید کرد که ارتکاز و ذهنیت فقیهان در مسأله بر واقعی بودن شرط مزبور یا مانعیت ضد است به گونه‌ای که خود را بی‌نیاز از بحث در این باره می‌دانسته‌اند!

استطراد/متولد از زنا و نماز جماعت

گفتنی است: واقع‌انگاری شرط مزبور به حسب دلیل، گاه با ظاهری‌انگاری آن - هر چند در برخی آثار - از نظر نتیجه و برآیند نهایی متفاوت نیست و اگر تفاوتی هست - که هست - در فرایند رسیدن به نتیجه است. مثلاً اگر طهارت مولد را شرط واقعی برای امام جماعت فرض کردیم و شخصی به متولد از زنا - بدون این که آگاه به حال او باشد - اقتدا کرد، در این جا نماز این شخص به حکم قاعده حاکم و ثانوی «لأتعاد» صحیح است، هر چند از ادله واقعی بودن این شرط استفاده شود، لکن این مستفاد، محکوم قاعده حاکم «لأتعاد» است و این در حالی است که اگر شرط مزبور شرط ظاهری بود، هر چند نماز مأموم صحیح بود، لکن نیاز به کمک لاتعداد نبود، بلکه صحت مطابق قاعده اولیه بود.

اصلاح یک ذهنیت اشتباه

با این توضیح باید ذهنیت برخی فضلا نسبت به شرطیت عدالت در امام جماعت را نیز اصلاح کرد. با این توضیح که این جماعت معتقدند شرط عدالت در امام جماعت شرط واقعی نیست؛ به این دلیل که هر گاه شخصی بر اثر باور اشتباه به غیر عادل اقتدا کند، نمازش صحیح است در صورتی که اگر شرط واقعی بود، صحت نماز مجال نداشت! و این در حالی است که صحت نماز مأموم می‌تواند¹ به دلیل حاکمیت قاعده لاتعداد باشد نه ظاهری و علمی بودن شرطیت عدالت در امام جماعت به حسب دلالت دلیل.

1. ما این گزینه را مقتضای ادله می‌دانیم.